

نامه‌ای از دکتر عبدالحسین زرین کوب
به دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی

پاریس

بیست و چهارم آبان‌ماه ۱۳۶۰

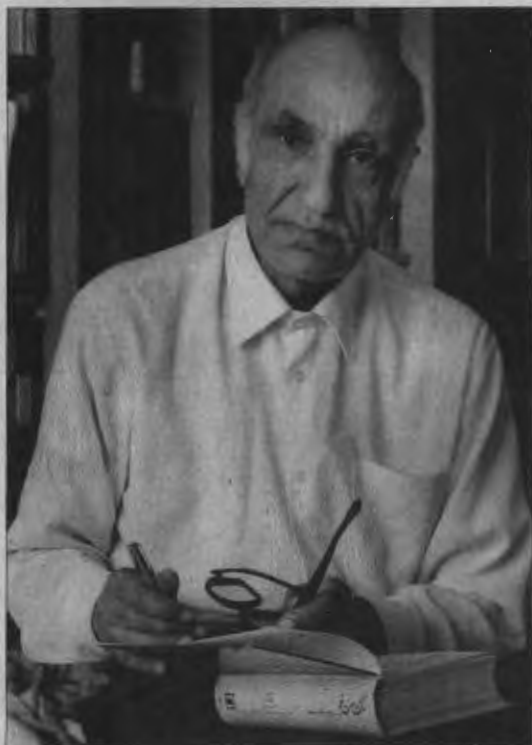
آقای دکتر باستانی عزیزم

از لطف و دلتوازی جوانمردانه‌یی که در بازگشت از سفر اروپای خود و مشاهده احوال مخلص درینجا، در مورد اینجانب نزد اولیاء دانشکده و دانشگاه کرده‌اید واقعاً متشکرم. در حالیکه دانشگاه طهران سال گذشته به مجرد اتهام بی‌اساسی که به وسیله مغرضان جعل و به وسیله حاسدان نشر شد بدون یک تحقیق کافی که در شأن دانشگاه است و به صرف یک ظن خاطی که ابتکاء بر آن شأن اهل خرد و دانش نیست حاصل چهل سال زحمات بنده را بر باد داد. این اندازه لطف و عنایت از جانب سرکار فی‌الواقع خیلی بیش از حد توقع بنده بود. وضع بنده درینجا همچنان است که ملاحظه کردید. در پایان چهل سال تدریس و تحقیق می‌بایست اینجا وامدار محبت کسانی باشم که به خاطر نوشته‌های ناقابل در حق من محبتی بیش از حد استحقاقم می‌ورزند، و در عین حال مثل مسیح کاشانی به این مقال ترنم کنم که - گر فلک یک صبحدم با من گران باشد سرش... سرکار به وسیله برادرم پیغام داده بودید که خویست بنده از بیمارستان اینجا گواهینامه‌یی دریافت و ارسال کنم که در آن مخارج عمل جراحی و معالجه مدت بستری بودنم را برآورد کرده باشند تا دانشکده و دانشگاه به استناد آن در باب حواله کردن ارز مورد نیازم اقدام بنمایند. متأسفانه این کار مقدور نیست چرا که اولاً عمل جراحی سابق بنده در کلیولند اهایو انجام شده است نه در



• دکتر عبدالحسین زرین کوب

فرانسه، و ثانیاً آنگونه گواهی را وقتی می‌دهند که عمل مقدماتی عکسبرداری قلب و عروق در خود بیمارستان انجام شود. اما خود این کار با توجه به سابقه حساسیت شدید فوق‌العاده بنده در مقابل داروهای آن که حتی در همان کلینولند متعجبانه به ده دوازده روز بستری شدنم به خاطر همین عمل کوچک شد در حال حاضر مستلزم صرف حدود یک ربع از تمام ارز مورد درخواست می‌شود و تازه اگر نتیجه آن عمل مقدماتی اجرای عمل قلبی را الزام کند تمام مخارج عمل و مدت سه هفته بستری شدن - حدود شانزده هزار دلار - می‌بایست نقداً به عنوان ودیعه در صندوق بیمارستان گذاشته شود و چنانکه خود سرکار مسبوقید بنده در حال حاضر قادر به تدارک این ودیعه و حتی یک ربع آن که برای مخارج مقدماتی عکسبرداری لازم است نیستیم. مرحوم رجایی که پرونده پزشکی بنده را دقیقاً بررسی کرده بود و شخصاً هم از سابقه بیماری بنده - به شرحی که خاطر شریف هست - مسبوق بود ضمن آنکه اجازه مسافرت فوری جهت بنده صادر کرد قول داد بلافاصله بعد از عزیمت بنده در اولین فرصت در باب حواله کردن ارز مورد لزوم برای معالجه مخلص اقدام کند. متأسفانه با آنچه پیش آمد این وعده ایفا نشد و پرونده طبی بنده هم که نزد ایشان بود معلوم نیست چه شد و کجا مدفون گردید. حالا اگر دانشگاه طهران، بعد اللّیتا و التی درصدد



• دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی (عکس از: مریم زندی)

باشد در مورد بنده که خودش ضایع کرد اقدامی جدی به عمل بیاورد و موجبات معالجه‌ام را - البته به خرج خودم و نه ختی با حقوقی که از دانشگاه هم دریافت نمی‌کنم - تسهیل نماید باید ارز مورد نیاز را از طریق حواله بانک ملی اینجا در اختیار من بگذارد و شک نیست که وجه آن را برادرم - از مبلغی که از وام دوستان و از فروش فرش و کتاب حاصل شده است - به هر نرخی که دانشگاه قرار بگذارد خواهد پرداخت. بنده هم اینجا هر نوع تضمین مالی و اداری و اخلاقی لازم باشد می‌دهم که بعد از خاتمه معالجه‌ام در بیمارستان، هر مقدار ازین ارز را که مازاد پرداختی به بیمارستان باشد به مجرد بازگشت بلافاصله به صندوق ارز بانک ملی مسترد نمایم. غیر از این عملاً هیچ کار دیگری نمی‌توان کرد و اگر میل اولیاء امور باشد اجراء آن هیچ منعی ندارد و مرحوم رجایی هم می‌خواست به همین ترتیب عمل کند اما بنده در آن زمان هنوز پول نقد کافی که حالا از طریق وام و فروش اثاث البیت حاصل شده است در اختیار نداشتم. باری، حال بنده از همان قرار است که اینجا ملاحظه کردید. با صرف داروهای مسکن که ناچار مقدارش تدریجاً هم بالا می‌رود التهابات قلبی و



REPUBLIQUE FI FRANCE



AÉROGRAMME

M *دکتر عبدالحسین زرین کوب به دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی*

پلاک ۲۸ کربلی ۱۳۵۷

دولت والتیه قزوین

Tehran

IRAN

PAR AVION

۱۱۰

جناب آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب به دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی
 مودت و احترامات فراوانی را عرض می‌کنم. امیدوارم که در این روزگار
 پر از آفت و سختی، با کمال سلامتی و به سلامت به تهران بازگردید و در آنجا
 به کارهای خود بپردازید. این نامه را در راه پست گذاشتم تا به دست شما
 برسد. امیدوارم که در این روزگار پر از آفت و سختی، با کمال سلامتی و
 به سلامت به تهران بازگردید و در آنجا به کارهای خود بپردازید. این
 نامه را در راه پست گذاشتم تا به دست شما برسد. امیدوارم که در این
 روزگار پر از آفت و سختی، با کمال سلامتی و به سلامت به تهران بازگردید
 و در آنجا به کارهای خود بپردازید. این نامه را در راه پست گذاشتم
 تا به دست شما برسد. امیدوارم که در این روزگار پر از آفت و سختی،
 با کمال سلامتی و به سلامت به تهران بازگردید و در آنجا به کارهای
 خود بپردازید. این نامه را در راه پست گذاشتم تا به دست شما برسد.
 امیدوارم که در این روزگار پر از آفت و سختی، با کمال سلامتی و به
 سلامت به تهران بازگردید و در آنجا به کارهای خود بپردازید.

• نامه دکتر عبدالحسین زرین کوب به دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی - صفحه دوم

آلام صدری را تحمل می‌کنم و نمی‌دانم تا کی می‌توان عمل جراحی ضروری را به تأخیر انداخت. اشتغالم در اینجا شرح منو نیست که اگر توفیق اتمامش را بیابم مدخلی خواهد بود برای ورود به دنیای عظیم عرفان و حکمت مولانای روم. اینجا بنده را برای تدریس هم دعوت کرده‌اند اما نپذیرفته‌ام؛ نه فقط برای آنکه حال جسمی من اقتضای فعالیت منظم را در خارج از خانه ندارد بلکه حال روحیم نیز مساعد نیست. از چهل سال عمر که صرف تربیت و تعلیم جوانان وطن کردم چه طرفی بستم تا حالا بیایم و برای دریافت کفاف معاش گوهر حکمت و عرفان را عرضه بر جماعتی دارم که همچنان ز بانگ خر شناسند نطق عیسی را. گوشه‌نشینی و عزلت‌گزینی در خانه محقر خود و در کنج مدرسه وطن را ترجیح می‌دهم بر سر صدرنشینی در مدارس و معاهد پرزرق و برق مردمی که هموطنان ما در تمام دو سه قرن اخیر هر بلایی کشیده‌اند از دست آنها بوده است. ارادت و سلام مخلصانه بنده را لطفاً به دوستان طهران ابلاغ فرمائید و هرگاه دانشگاه طهران را هنوز چنانچه باید با من بر سر لطف نمی‌یابید به خاطر بنده خود را معروض بی‌لطفی کسانی که وجود امثال بنده را - حتی در گوشه عزلت و غربت و با وجود تنهایی و بیماری - برای خود مایه ناخرسندی می‌یابند نسازید. با اینهمه برای فرهنگ و دانشگاه، شاید هنوز وجودم به اهمی که در احیاء آن بذل کنند ببرزد. این چیز است که باید دوستان دانشگاهی تصمیم بگیرند. اما امیدی نیست، و دیگر هم قدری دیر است - اضاعونی و ای فتی اضاعوا...

با تجدید ارادت و سلام

زرین کوب

بعدالتحریر - چون نشانی دقیق سرکار را در دسترس نداشتم نامه به آدرس برادرم ارسال شد که خدمت سرکار تقدیم بدارد.